

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۱۷ اگست ۲۰۱۲

واسطه و رابطه بین خدا و انسان

بخش دوم

بعد از گذشتن دوره پیامبران که محمد دروازه آن را مسدود ساخت نوبت رسید به تعداد زرنگها و عقل کل های جامعه!!؟؟ که آن ها همان وظایف پیامبران را زیر عنوان رهبران دینی، عالمان دین، علمای فقیه، آیت الله، حجت الاسلام، سید، مولوی، صاحب زاده، پیر، نقیب، خواجه، حضرت و... به انجام برسانند که البته می توان از آن ها به نام پیامبران غیر مستقیم و یا هم مسؤل گناهان و ثوابهای دیگران یاد نمود؟؟ که تعداد شان هم روز به روز رو به افزایش است.

مردم عوام که نقش رهبری و رهنمائی دینی دیگران را به دوش ندارند و پیرو یکی از این ادیان می باشند و یا اجباراً دینی را قبول نموده اند، نمی توانند شناخت درستی از خدا و احکام آن داشته باشند چون همین خدای واحد در سه دین ابراهیمی به سه شکل متضاد تبارز و هدایات متناقض با هم را در موضوعات مشخصی به بندگان داده و نمایندگان یا فرستاده های خدا هم با اضافاتی غیر ضروری قسمت های زیادی از ارشادات خداوندی را به نفع قشر ممتاز و حکمروای جامعه در قالب هدایات، احادیث و علم دین به مردم تحمیل داشته و فضائی از خوف و وحشت را در بین مردم به وجود آورده اند و مردم هم با اعتقاد به زنده شدن بعد از مرگ، بهشت و دوزخ و... فقط در همان حدود این که خداوند کریم، رحیم، دانا، توانا دادرس، غفور، جابر، قهار و... است با خداوند آشنائی داشته و هر آنچه مدعی داشتن رابطه با خدا گفته است آن را به حق و راست فکر می کنند.

اکثریت این مردم مظلوم با خلوص نیت و صادق بودن در دل و برای تسلی خاطر خود و مصون بودن از رنج و گزند های جامعه و طبیعت به همین سخنان و گفتار دلخوش بوده و با ایماننداری کامل با در نظر داشت هدایات دین سازان و دنباله روان همیشه با خدای خود راز دل می نمایند (و باید تذکر داد که این راز و نیاز در اسلام باید به عربی باشد چون خدای معرفی داشتگی محمد جز عربی لسانی دیگری نمی فهمد) ورنه تکفیر و مجازات دنباله روان شیخک های عربی را باید بپذیرند. عدم شناخت نسبی و منطقی مردم از خداوند باعث شده تا در موهومات

زندگی نموده بعد از پیامبران در جست و جوی کسی و یا کسانی بیفتند که ادعای فهم و دانش دینی دارند یعنی با فهم تر از ایشان در شناخت خدا خود را جلوه داده و راه‌های تقرب به خدا را بلد می‌باشند؟؟

اینجاست که بازار یک تعداد از شیادان، او باشند مفت‌خور که لیاقت زحمت کشیدن کار اجتماعی را نداشته و به خود نمی‌دهند گرم شده و از این غفلت پیروان خالص دین که دل‌های با صفائی دارند سوءاستفاده می‌نمایند و به مرور زمان در قالب خاخام، پاپ و آیت الله، حجت الاسلام، شیخ، مولوی، ملا، چلی، طالب، سید، خواجه، پیر، ولی، قطب، ایشان، میا، روضه خوان و یا به شکل مدرن آن داکتر اسلامی، پروفیسور اسلامی، عالم دین، محقق دین، مفسر، انجنیر اسلامی و شاید هم بعد ها ببینیم مثل هنر مند اسلامی، دکاندار اسلامی، کار مند دولت اسلامی و... هر نامی که آورنده لقمه نانی برای‌شان باشد تظاهر نمایند. (این که یک تعداد از آن‌ها در طول تاریخ چه جنایات و خیانت هائی را به نفع بیگانگان مخصوصاً اعراب مرتکب شده‌اند بحث جداگانه است که عنقریب به آنهم خواهیم پرداخت)

در صحبت‌های قبلی از یک تعداد پیامبران و دستیاران شان و همچنین از آنانی که خود را عقل کل می‌دانند و صاحب کرامات (مثل چف و کف، تعویذ، زخم‌ها و مرض‌ها را تداوی نمودن، مردم را در مشکلات فکری (نه مشکلات اقتصادی نجات دادن) همکاری و رهنمائی نمودن مثل امراض اطفال را تداوی کردن، بخت جوانان را باز نمودن، جن و شیاطین را از خانواده‌ها دور ساختن، یاد دادن دعا به هنگام گذر از قبرستان و یا دعای وقت مجامعت، دعای تشناب رفتن و صد ها نوع دعا ...) البته (وظایف به دوش داشته این کراماتی ها بنا بر موقعیت و موقف سیاسی و اجتماعی و وابسته بودن شان به نیرو های استعماری از هم فرق داشته و دارد و همچنان عواید شان. که البته به آنهم خواهیم رسید) چون این شغل زحمت و تکلیفی ندارد جز حرف بی مسؤولیت گفتن؟ فلذا هر کدام از آن‌ها سعی داشته و دارند تا چیز های جالب و سرگرم کننده ای طرح و به هواخواهان تشریح داده و خود را پیشتاز و مظهر العجایب معرفی و حرف خود را مطابق تمام هدایات دینی و مذهبی قابل‌تعمیل بنمایانند. در این اواخر مد روز شده تا تعدادی از هموطنان ما به علاوه شغل اجتماعی خود به نحوی از انحاء خود را هم از جمع محققین اسلامی، قلمداد نمایند تا باشد که از این قافله عواید عقب نمانند و زندگی پررنگ تری را نصیب شوند. این طایفه خطر ناکتر از ملای ریش دار است !!!

با زرنگی محمد که ختم پیامبر آمدن را اعلان نمود دو حالت می‌توانست به وجود آید. یکی این که اسلام به زور شمشیر پیروز شده و فاتح گردد (چنانکه شد) که دیگر امکان ادعای پیامبری از طرف شخص دیگر نه تنها ناممکن گشته بلکه منحیث کافر مطلق و زندیق باید به چوبه های دار کشانیده می‌شد و شکل دوم آن در صورت عدم گسترش اسلام موجودیت پیامبر های بعد از محمد صدق پیدا نموده و اسلام هم مثل صد ها دین فراموش شده به دامان فراموشی تاریخی سپرده می‌شد اما بعد از پیروزی دین اسلام و گسترش آن مسأله پیامبری توسط محمد از بین رفت و لازم دیده نشد تا در بستر زمان پیامبر دیگری تولد یابد.

این عقل کل‌ها از فهمی مردم سوء استفاده نموده و با گرفتن صدقه و قر بانی از مردم به زندگی ننگ آلودشان ادامه داده و می‌دهند؟ گروهی به تعویذهای، شویست نویسی (شویست نوعی از تعویذ هائی است که مذهبی رند و باهوش نوشته و به طرفش که از یک چیز و چیز های رنج می‌برد و احتیاج شدید به کمک این رابطه خدائی دارد داده می‌شود که نوشته‌های آن گاغذ را در آب شسته و به خورد طرف معامله بدهد) و یا هم تعویذ های دودی. (که تعویذ گیرنده باید آن نوشته ملا صاحب را با نوعی از تیل شرمش کنجد و یا ... چرب نموده و شبانه آن را مستقیماً رو به طرف خانه شخص گرفته و آتش زند. آنوقت آن تعویذ دودی کار گر می‌افتد) دسته‌ای به جن و

ارواح و فلان شناسی می پردازند تا باشد که بیشتر مال اندوزند و بیشتر در سایه رحمت الهی غنوده و از نعمت‌های وعده نمودگی خدا و پیامبر هم در این دنیا و هم در آخرت خیالی استفاده برند؟

هزاران سال است که این دلال‌های دین ما را از نعمت سواد محروم نگهداشته و غرق در انواع فقرها رشد داده‌اند. نجات از این منحللاب خرافات به دید ساده وجود ندارد جز این که به هدایات و رهنمائی همین رابطه‌ها، آباء و اجداد شان، ریش، تسبیح، عربی گفتن، نماز خواندن، طول دعای شان و ... پناه ببریم؟؟ آیا راهی دیگری هم وجود دارد؟ به ارتباط این موضوع فکر می‌کنم لازم می‌افتد که ما اول شناختی از خود - خدا - پیامبر، اجتماع، طبیعت و حقیقت داشته باشیم تا بعداً اگر ضرورت افتاد به سراغ این دلالان دین برویم؟ به همین ملحوظ دکانداران و انحصار گران دین اسلام با نسبت دادن خود به مرجع اصلی تبارز اسلام و دلالان سابقه و با تجربه دین همیشه سعی داشته‌اند که خود را از جامعه و مردم جدا ساخته و حیثیت قابل قدری برای خود در رأس جامعه پیدا نمایند و پذیرش مردمی را هم یا به رضایت و یا به زور بدارند؟؟ که در این موارد موفق هم بودند و استند. اما باید دید که این تاجران دین کدام‌ها اند؟؟ آنهایی اند که قشر مفت‌خور جامعه را تشکیل داده و می‌خواهند پیوند دهنده ارتباطات بین مردم و خدا باشند؟؟ باید آن‌ها را شناخت و آنچه آن‌ها می‌خواهند و یا آرزو دارند به آن برسند دقیق باید شد باید شخصیت‌ها و زدو بند های ایشان با حلقه های دیگر مشخص و به جامعه معرفی شوند؟ تا ملت ما بدانند با کی‌ها سرو کار دارند و چه چیز هائی به ارتباط مسلمان بودن شان به آنها گفته شده و عملی می‌شود؟ و کدامین حقیقت دارد؟ این واسطه‌ها و این دلالان دین، این عرب زده‌ها، این خائنین به انسانیت، این دلک‌های رنگین صورت همیشه به نمایندگی از اعراب به نام‌های سید، خواجه، حضرت، نقیب. و.....(البته از آنانی که روی جبر طبیعی به همجو القابی نسبت دارند و از این مناصب سوءاستفاده در جهت سرکوب ملت و تأمین منافع استعمار گران نکرده و نمی‌کنند معذرت می‌خواهم. چون طرف صحبتیم آن‌ها نیستند؟؟) در تظاهر به نمایندگی الله و رابطه با بندگان آمده و سعی در کشتن شعور انسانی، عواطف بشری و حق طلبی انسانهای بی‌پناه و مظلوم ما نموده‌اند از اخلاص مردم نسبت به دین و مذهب به نحوی از انحاء استفاده‌ها مثل آباء و اجداد شان می‌نمایند. مردم ما مثل میلیونها مسلمان دیگر برداشت کلی و منطقی از اسلام ندارند منتظر هدایت و دستور های این واسطه و رابط‌ها می‌باشند تا باشد که از برکت وساطت آنها گناه هائی را که در جریان زندگی مرتکب شده‌اند مورد بخشش و عطوفت الله قرار گیرد؟ و این گروه واسطه‌ها احمق‌تر از آن خواهد بود که این شغل پر درآمد را رها نموده و در جست و جوی کار های شاقه و زور طلب بروند تا امرار معاش دارند؟ این شغل ملائی، طالبی و نمایندگی از الله و تأمین کننده رابط بین انسان‌ها عواید خوبی در قبال دارد و فعالان آن دنبال کار هائی که مغز و انرژی بیشتر می‌خواهد نمی‌خواهند بروند!! و شغل راحت آخوندی - کشیشی - خاخامی و برهمنی و موبدی و ملائی را رها نمایند آنها با صحبت‌های مفت و مجانی بدون مسوولیت، خود را مسلمان جلوه دادن و اندوختن زر و مال را ترجیح داده و آن را شغل اساسی خود انتخاب می‌نمایند؟

چرا تا وقتی یک تعداد خوشباور و مهربان روی عقاید و باورهای خود با رضا و میل خود یک مقدار از مزد زحمات روزانه و شبانه شان را منحیث صدقه، شکرانه و خیرات به جیب آنان می‌ریزند به شغل جنجالی دیگر بپر دازند؟ این رابطه‌ها بین خداوند و انسان همیشه به نام اسلام، در خدمت اعراب و چاکر منشی اوشان به اعراب بر مردم ما خود را تحمیل نموده‌اند. از این که ایشان محافظ منافع قدرت‌های حاکمه دولتی و تأمین کننده سلطه استعمار می‌باشند دولت‌ها و استعمار جهانی آن‌ها را تمویل و مطلقاً از ایشان دفاع می‌نمایند و پیروی نکردن از هدایات این مقدسین پی آمد های خونین و بر خورد های بیرحمانه و شدید شان را در قبال داشته است... در قبال جنایات و تجاوز های

عرب به نام اسلام که با تکیه بر خصایص غلام بودن و نوکر منشی یک تعداد از مردم بر ما عملی شده لازم می افتد تا حقایق در این مورد هر چه زود تر رو شنتر بررسی شده و مورد تحلیل فکر های اندیشمند و انسانهای تحول خواه قرار گیرد تا حقیقت گوئی طرف های موافق یا مخالف به آن ظاهر شده و جلو چشم مردم قرار گیرد!! تا این بر رسی ها تبلور عقاید انسانهای مظلوم و قربانی های وحشت و بی ناموسی دینی اجانب باشد. اما متأسفانه و بدبختانه که کمتر نویسنده ما روی این موضوعات حساس و تعیین کننده تماس گرفته و به اصطلاح نویسندگی بی اطلاع و بی مسؤولیت را ترجیح می دهند تا حقایق گوئی و تحمل مشقات زیاد!!

سالیان متمادی است که تعدادی از این دین سازان و دنباله روان که به نام اسلام خود شان را پیش قراول و دانشمند و طندوست و رو شنفکر به حساب می آورند در مقام دفاع از هر چه بر ما توسط اعراب، رو سها، انگلیسها، امریکائی ها، مغولها، ساسانی ها و هر متجاوز دیگر که هم پیروانی از خود در این محل داشته اند بر آمده و قهراً بر ما تلقین مقدس بودن و انسانی بودن آن تجاوزات را نموده اند و چنان تحلیل و ارزیابی نموده اند که تجاوز آنها به حق بوده است. تمام جانیان اسلامی در تحکیم دولت پوشالی کزری در تمام این ده سال گذشته کوشیده و تاجر فکران عربی و اسلامی و نوکران استعمار مثل ربانی، محقق و تنظیم های مخلوق آی. اس. آی و شبکه های جاسوسی آخوندی ایرانی و وهابی های عر بستان سعودی در پهلوی تبلیغ به نفع قدرت های متجاوز! اسلام و اسلام ناب محمدی را در همکاری با متجاوزان راه کشای مشکلات ملت قلمداد می کنند!!؟؟ و در این راه هر چه داشته اند به ظاهر بیرون زده اند. مسأله مورد بحث ما هم اسلام زدگان و عقل کل های عربی است که اینها دیده در اثر از دیگران به نظر می خورند. چرا؟ به خاطر این که برای آنها فکری ترزیق شده که همه جا و همه کس در زنجیر اسارت بار اسلام باید بسته شوند؟؟ تا نقش این رابطه ها و واسطه ها در سرنوشت سازی مردم ما بر جسته تر گردد! و تعدادی از افراد در این راه نسبت به خود اعراب پیشقدم تر هستند که افتخار به غلام بودن اعراب را هم ننگ ندانسته و در راه تداوم منافع شیخک های عربی حیثیت پیشکار و کار آمد عربی را به خود گرفته و چنان صادقانه عمل می دارند که گوئی آنها از پدر و اجداد خدمت گذار اعراب بوده اند؟؟

هموطن نهایت عزیز! با فهم این موضوعات اگر می خواهی مسلمان باشی؟ باش و این عقیده شخصی ات می تواند به شمار آید اما طرفدار آن مباش تا همچو آئینی را ترویج و از آن مظهر آمال و قبله آرزو های انسانی بسازی فقط آن را در حدود فکر و عمل خودت نگهدار تا اگر شرایط اجتماعی و بروز فرهنگ انسانی قادر شود شما و امثال تان را از این خمودی فکری بیرون آورد

ختم